

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/08/25



موضوع: تطهیر متنجس به بول مرتین

مسئله 4: سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «يجب فی تطهیر الثوب أو البدن بالماء القلیل من بول غیر الرضیع الغسل مرتین و اما من بول الرضیع الغیر المتغذی بالطعام فیکفی صبّ الماء مره و ان کان المرتان احوط و اما المتنجس بسائر النجاسات عدا الولوغ فالأقوی کفایه الغسل مره بعد زوال العین»^[1]. در این فرع چند تا مسئله آمده است، مسئله اول این است که می فرماید: واجب است در تطهیر ثوب متنجس و بدن اگر متنجس بشود به وسیله بول، واجب است تطهیر بشود به آب قلیل دو مرتبه یعنی تعدد در تطهیر واجب است در صورتی که ثوب یا بدن متنجس شده باشد به بول غیر رضیع. این فتوای متن و مطابق با مشهور. اما شرح مسئله در دو مرحله: مرحله اول نقل اقوال و مرحله دوم تعرض ادله.

اقوال در مسئله

اما درباره نقل اقوال قبل از که به شرح و تفصیل بپردازیم باید توجه کنیم که این حکم مورد رأی مشهور است، مشهور هم شهرتاً عظیماً که گفته می شود مورد اجماع بین متأخرین است. چنانکه محدث بحرانی صاحب حدائق می فرماید: این حکم منسوب است به شهرت بین الاصحاب^[2]. شهید قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: متنجس به بول ثوب باشد یا بدن واجب است که دو مرتبه تطهیر بشود^[3]. و صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این حکم مشهور است بین متأخرین^[4] و محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این حکم «مذهب اصحابنا»^[5] که این تعبیر اشعار دارد به اجماع، تعبیری است که قریب به اجماع است. از سوی دیگر تتبع که به عمل آمده است، بین متأخرین در این حکم خلافتی دیده نشده است که آنجا هم اثری از اجماع هست. در نتیجه از نظر اقوال آنچه در متن آمده است مطابق با مشهور شهرت عظیمه که نزدیک به اجماع و اشعار به اجماع هم

دیده می شود. این قول اول که مطابق با متن است. قول دوم شهید در بیان [6] و علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام [7] می فرمایند: در غیر ولوغ یک مرتبه تطهیر کافی است و نیاز به تعدد وجود ندارد. این دو تا قول که بین اشتراط تعدد و عدم اشتراط تعدد بود که در حقیقت قول ایجابی و سلبی است، گفته شد.

قول سوم تفصیل بین جاف و غیر جاف است و بین ثوب و بدن قول سوم تفصیل است که دو تفصیل به ثبت رسیده. تفصیل اول عبارت است از تفصیل بین جاف و غیر جاف. متنجس به بول که بول خشک شده باشد یک مرتبه تطهیر کافی است و اگر بول خشک نشده باشد از ثوب و بدن باید دو بار تطهیر بشود. این تفصیل را علامه حلی نقل می کند [8]. تفصیل دوم عبارت است از تفصیل بین ثوب و بدن، گفته می شود که اگر ثوب متنجس باشد به بول احتیاج دارد به تعدد و مرتین باید تطهیر و تغسیل بشود و اگر بدن آلوده بشود به بول، غسل مره واحده کافی است. این تفصیل ذکر شده است در کتاب معالم بخش فقه [9] و همینطور صاحب مدارک [10] در کتاب مدارک این تفصیل را اعلام کرده اند. کل اقوال مهم همین چهار قول بود که گفته شد. اقوال جزئی و نادری هم ممکن است در مسئله باشد که قابل ذکر و تعرض نباشد.

اما ادله نصوص باب

درباره ادله نسبت به قول اول یعنی آنچه که در متن آمده است که متنجس به بول ثوب باشد یا بدن باید تطهیر بشود به آب قلیل مرتین، نصوصی است که در باب آمده است. این نصوص در باب اول ابواب نجاسات حدیث 1 و 2 و 3 و 4 و 7 و باب 2 حدیث 1. بعضی از این احادیث را بخوانیم. روایت صحیح محمد بن مسلم سند: محمد بن الحسن شیخ طوسی قدس الله سره الشریف باسناده عن الحسين بن سعيد اسناد شیخ به حسین بن سعید اهوازی همیشه درست است، حسین بن سعید اهوازی که از اجلاء و ثقات است. عن صفوان عن العلاء عن محمد، با اختصار گفته شده است، صفوان بن یحیی که از مشایخ ثلاث است، عن العلاء بن رزین که از اجلاء و ثقات، عن محمد بن مسلم عن احدهما علیهما السلام، مضمرة به حساب می آید ولی مضمرة کالصریح. اولاً مضمرة محمد بن مسلم مضمرة نیست و مذکوره است. و ثانیاً عن احدهما هم که بگوید دیگر معلوم است که «عن احد الصادقین علیهما السلام. قال سألته عن البول یصیب الثوب قال اغسله مرتین [11]»، که صریح است، منتها این دلیل قسمتی از فتوای متن را شامل می شود و فقط ثوب متنجس را و درباره بدن اشاره ای ندارد. روایت دوم هم صحیح است، این صحیح عبارت است از عبدالله بن ابی یعفور و عنه عن فضاله،

باسناده

این عنه که آمد روایت دوم، روایت قبلی شیخ یا صدوق از اولین راوی که نقل می کند چه کسی باشد، این عنه به آن اولین راوی برمی گردد. اگر گفت و بالاسناد برمی گردد به شیخ صدوق و اگر گفت و عنه برمی گردد به عنه که شیخ یا صدوق از نفر اول روات نقل کرده، نفر اول حسین بن سعید بود. اینجا می گوید و عنه عن فضاله، فضاله بن ایوب است، عن حماد

بن عثمان که از اصحاب اجماع عن ابن ابی یعفور که همان عبدالله بن ابی یعفور از اجلاء و اصحاب امام صادق علیه السلام است. «سالت ابا عبدالله علیه السلام عن البول یصیب الثوب قال اغسله مرتین» [12]. این هم صحت سند و جودت دلالت و مدلول هم فقط ثوب متنجس به بول است اما بیشتر از این نیست. روایت سوم و باسناده عن احمد بن محمد، این باسناده شیخ طوسی است، باسناده عن احمد بن محمد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری که از جمع اجلاء قمیین است عن علی بن حکم که توثیق خاص دارد، عن ابی اسحاق نحوی که ابی اسحاق نحوی ثعلبه بن میمون این شخص توثیق خاص دارد و از اعتبار و وثاقتی برخوردار است و سند می شود صحیحه، لذا سید الحکیم این روایت را صحیحه گفته است، «عن ابی عبدالله علیه السلام قال سالت عن البول یصیب الجسد قال صبّ علیه الماء مرتین» [13]، اینجا سوال مخصوص درباره تنجس جسد است، بدن آدم با بول آلوده شد تطهیرش به چه صورت است؟ فرمود: دو بار آن را با آب شستشو کنید و آب روی آن بریزید. با ذکر این روایت و با بودن این حدیث معتبر صحیحه ابی اسحاق نحوی مدعی ما کامل شد و تنها این نیست، روایت دیگری هم داریم، آن هم یک روایتی است که سندش علی الاقل حسنه است. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن حکم، یکی از سندهایی که خیلی معروف و مشهور است که از مشایخ قمی خودش نقل می کند. محمد بن یحیی عطار است، شیخ کلینی طبقه نهم است، محمد بن یحیی العطار طبقه هشتم است، احمد بن محمد بن عیسی اشعری طبقه هفتم است و علی بن حکم طبقه ششم است. این سند خیلی معروف است و کثیر الحمل و روایات زیاد و احکام زیادی دارد.

اوجههم

عن الحسین بن ابی علاء این حسین بن ابی علاء توثیق خاص مصرّح از سوی شیخ نجاشی و شیخ کشی و شیخ طوسی ندارد. و اما مدائح روایات زیادی نقل کرده از اتباع اهل بیت، برادران خیلی خوبی داشته و مضافاً بر آن ثقات صفوان است، صفوان بن یحیی از حسین بن ابی علاء روایت نقل می کند که «لا. یرون و لا. یرسلون الا عن ثقه». و در سند تفسیر قمی هم آمده است. بنابراین بر مبنای سید الاستاد که روایت سند تفسیر قمی معتبرند، یک اعتبار از آنجا می گیرد و بنابر مبنای مشهور و شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه که این سه نفر صفوان و بزندی و ابن ابی عمیر «لا. یرون و لا. یرسلون الا عن ثقه» از آن جهت هم توثیق دارد، ولی باز هم در بحث صحیح و حسن اهل رجال تا توثیق خاص از آن موثقات شیخ نجاشی و کشی و شیخ طوسی نباشد، سند را صحیح اعلام نمی کنند، و وثاقت را ثابت شده اعلام نمی کنند. منتها این سند با این خصوصیات که دارد، پیش محققین می گویند حسن یا صحیح، مردد بین حسن و صحیح است. تحقیق این است که این سند صحیح است، مضافاً بر اینکه صفوان رضوان الله تعالی علیه از او نقل می کند و توثیق عام دارد، شیخ نجاشی یک شرحی درباره ایشان آورده است که می توان گفت که از آن توثیق استفاده می شود. شیخ نجاشی می فرماید: «حسین بن علاء و اخواه علی و عبدالحمید روی الجمیع عن ابی عبدالله و اوجههم الحسین» [14]، این «اوجههم» را ما اگر به اوجه اجتماعی معنی کنیم مناسب شأن نجاشی نیست، اوجههم یعنی اوّثقم، آنها هم وجوه هستند، اوجه شان این

حسین بن ابی علاء است. بنابراین این سند می شود از نظر اعتبار سند صحیح. «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن البول يصيب الجسد قال صبّ عليه الماء مرتين[15]»، این تاکید شد، یک روایت داشتیم درباره تنجس بدن و این روایت هم آمد.

فرق بین ثوب و جسد

اما درباره جسد صبّ آمده و درباره ثوب اغسل آمده، وجه فرقی این است که غسل مستتبع عصر است، بنابراین در ثوب عصر لازم است اما در بدن عصر لازم نیست، آب را روی آن بریزید و نیاز به عصر نیست. روایت بعدی: محمد بن ادریس فی آخر السرائر نقلاً عن کتاب الجامع لاحمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی «قال سألته عن البول يصيب الجسد قال صبّ عليه الماء مرتين فانما هو ماء و سألته عن الثوب يصيبه البول قال اغسله مرتين[16]». این حدیث که صحیحه هم است،

سرّ صحیحه بودن روایت ابن ادریس

سرّ صحیحه این حدیث این است که ابن ادریس از متاخرین است و معاصرین خود علامه و محقق حلی است. این محمد بن ادریس در کتاب خودش مستطرفات که بحث رجال و روایت و حدیث است. این کتاب سرائر ایشان که قطعی است مثل کتاب تذکره که قطعی الوجود است و ابن ادریس از کتاب بزنطی که اسم آن کتاب است جامع که از کتاب جامع بزنطی نقل می کند. اولاً به نقل خودش اعتماد می شود که ابن ادریس است و می گوید من از کتاب بزنطی نقل می کنم و ثانیاً کتاب بزنطی در دسترس و اختیار ابن ادریس بوده، این از آن سندهای خاصی است که صحیح است ولی معنعن نیست، کتاب سرائر است و کتاب سرائر از کتاب جامع بزنطی نقل می کند. سرائر قطعی الوجود است، جامع قطعی الوجود است، و در اختیار و دسترس ابن ادریس بودن هم قطعی است، سند می شود معتبر و روایت را صحیحه می گوییم. لذا سیدنا الاستاد با آن احتیاطی که درباره صحت سند دارد، می فرماید صحیحه احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی. سند صحیحه شد و متن جامع است، هر دو مطلب را بیان کرده. «سألته عن البول يصيب الجسد»، «سألته» معلوم است که بزنطی از اصحاب امام رضا بوده، از امام رضا درباره جسدی و بدنی که متنجس به بول شده باشد سوال کردم، فرمود: «صبّ عليه الماء مرتين» و سوال کردم از ثوبی که متنجس شده است به بول آقا فرمود: «اغسله مرتين». متن این حدیث فتوای متن را به طور کامل شامل شد، هم ثوب و هم بدن که متنجس به بول شده باشد، نیاز دارد به تطهیر مرتین. روایت دیگری هم است در باب 2 از ابواب نجاسات که مراجعه کنید که هم سند صحیح است و درباره ثوب است و آنجا بدن ذکر نشده و همین طور روایت دیگر در کتاب فقه رضوی است که آمده است اگر آب جاری باشد مره واحده و اگر ماء راكد باشد تطهیر یجب مرتین[17]. این روایات هرچند یک روایت هم که باشد مثل صحیحه بزنطی کافی است، سند صحیح و دلالت واضح و صریح و هر دو مورد را هم مورد توجه قرار داده است بدن و ثوب،

عدد روایات در این مورد در حد تواتر است

اما اینجا از یک قدرت بالاتری برخورداریم و آن این است که این روایات در این حد که برسد،

از نظر عدد و صحت گفته می شود در حد تواتر است، برای یک محقق این روایات صحیح السند با آن جلالت شأن در نتیجه مطالعه این روایات برایش علم به صدور حاصل می شود و این معنای تواتر است. تواتر عدد و علامت ندارد، تواتر یک معیار دارد و آن پس از تحقیق و تتبع علم حاصل می شود. اگر خیلی هم احتیاط باشید بدون هیچ تردید این مجموعه از روایات در حد استفاضه قطعا است. استفاضه این است که این مجموعه روایات موجب اطمینان می شود. ادله اقوال دیگر بحث دیگر است که جلسه آینده.

-
- [1] العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 227، ط جدید.
 - [2] الحقائق الناضره، محدث بحرانی، ج 5، ص 356.
 - [3] الذکری، شهید اول، ج 1، ص 15.
 - [4] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 185.
 - [5] المعتبر، محقق حلی، ج 1، ص 435.
 - [6] البیان، شهید اول، ص 40.
 - [7] قواعد الاحکام، علامه حلی، ج 1، ص 193.
 - [8] منتهی المطلب، علامه حلی، ج 3، ص 263.
 - [9] معالم الدین، شیخ جمال الدین حسن، ص 321.
 - [10] مدارک الاحکام، سید محمد بن علی موسوی عاملی، ص 337.
 - [11] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1001، ابواب نجاسات، ب 1، ح 1، ط اسلامیة.
 - [12] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1001، ابواب نجاسات، ب 1، ح 2، ط اسلامیة.
 - [13] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1001، ابواب نجاسات، ب 1، ح 3، ط اسلامیة.
 - [14] رجال النجاشی، النجاشی، ج 1، ص 52.
 - [15] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1001، ابواب نجاسات، ب 1، ح 4، ط اسلامیة.
 - [16] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1002، ابواب نجاسات، ب 1، ح 7، ط اسلامیة.
 - [17] فقه الرضا، ص 95.